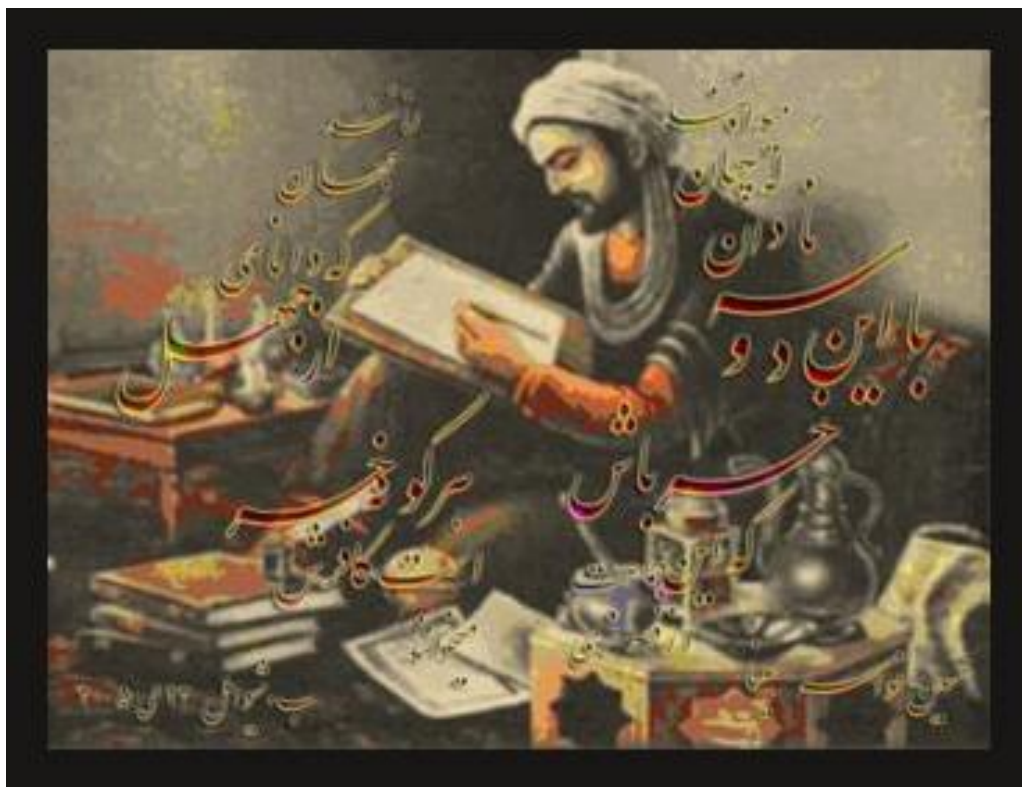


پوهندوی دکتور ب. شیوا مل (Ph.D ، MD)

ثور ۱۳۸۳ مطابق اپریل ۲۰۰۵

ابر مرد خرد گرا و اهریمن ستیز



شیخ الرئیس، حجتہ الحق، ریس العقلا، شرف الملک، ابوعلی سینا (حسین پسر عبدالله حسن
پسر علی پسر سینا)

در دنیای امروز کمتر ملتی است که به مفاخر گذشته خود توجه نکند زیرا یکی از علایم حیات و زنده بودن ملت ها ملتفت بودن و توجه داشتن به مفاخر گذشته فلسفی، علمی، فرهنگی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و ملی آنهاست که این گذشتگان با وجود گذشت روزگار و سیر زمان و وقوع حوادث ناگوار با هزاران خون دل برای آینده گان خود به میراث گذاشته اند و بر ماست که باید انرا گرامی و عزیز داشته و آنرا بارور سازیم .

به قولی در ماه صفر سال ۳۷۰ هجری قمری (مطابق ۹۸۰ میلادی) از پدر بلخی بنام عبدالله (از سبب وزیر مالیه بودن در زمان سلطنت نوح بن منصور به بخارا مرکز ماورالنهر و خراسان انزمان انتقال نموده بود) و مادر بخارایی بنام ستاره در قریه خورمیثن (قریه ای میان بلخ و بخارا) طفلی چشم به جهان گشود. که نامش را حسین گذاشتند، که بعدها به ابن سینا مشهور شد.

شرکت در جلسات بحث از دوران کودکی، به واسطه پدر که از پیروان آنها بود. بوعلی را خیلی زود با مباحث و دانش های مختلف زمان خود آشنا ساخت. استعداد وی در فراگیری علوم، پدر را بر آن داشت تا به توصیه استاد وی ابو عبدالله ابراهیم بن حسین ناتلی، ابن سینا را به جز تعلیم و دانش اندوزی به کار دیگری مشغول نکند. و چنین شد که وی به دلیل حافظه قوی و نبوغ خود در ابتدای جوانی در علوم مختلف زمان خود از جمله طب مهارت یابد. تا آنجا که پادشاه بخارا، نوح بن منصور (۳۶۶ تا ۳۸۷ هجری قمری) به علت بیماری خود، وی را به نزد خود خواست تا او را تداوی نماید ابوعلی ابن سینا بعد از تداوی از نوح تقاضا کرد تا به کتابخانه عظیم دربار سامانی دست یابد و از آن استفاده نماید این تقاضا مورد قبول نوح قرار گرفت. به این ترتیب وی توانست با استفاده از این کتابخانه در علوم مختلف از جمله حکمت، منطق و ریاضیات تسلط یابد (خاندان سامانیان از مردم بلخ بودند و دین زردشتی داشتند سامان خدا یکی از روشناسان و حاکم بلخ بود والی عربی خراسان در نصف قرن هشتم میلادی با سامان خدا دوست شد و سامان دین اسلام اختیار کرد از جمله نواسه هایش اسمعیل پسر احمد در سالی ۸۹۲ میلادی بعد از مرگ برادرش نصر و گرفتن سمرقند سلسله سامانیان را بنیان گذاشت. ص ۹۷ افغانستان در مسیر تاریخ م. غبار)

وی با وجود پرداختن به کار سیاست در دربار منصور، پادشاه سامانی و دستیابی مقام وزارت ابوطاهر شمس الدوله دیلمی و نیز درگیر شدن با مشکلات ناشی از کشمکش امرا، سفر های متعدد و حبس چند ماهه وی توسط تاج الملك حاکم همدان را به دنبال داشت. بیش از صدها جلد کتاب و تعداد بسیاری رساله نگاشته که هر يك با توجه به زمان و احوال او به رشته تحریر در آمده است. وقتی در دربار امیر بود و آسایش کافی داشت و دسترسی اش به کتب میسر بود، به نوشتن کتاب قانون در طب و کتاب الشفا یا دائره المعارف بزرگ فلسفی خود مشغول می شد که اوج کمال تفکر قرون وسطی است که بدان دست یافت و در تاریخ تفکر انسانی از تحقیقات معتبر جهان بشمار میرود.

اما در هنگام سفر فقط یاد داشت ها و رساله های کوچک می نوشت از میان تالیفات ابن سینا، الشفا در فلسفه و قانون در طب شهرتی جهانی یافته است. کتاب الشفا در هجده جلد در بخش های علوم و فلسفه، یعنی منطق، ریاضی، طبیعیات و الاهیات نوشته شده است. منطق الشفا امروز نیز همچنان به عنوان یکی از معتبر ترین کتاب منطق مطرح است و طبیعیات و الاهیات آن هنوز مورد توجه علاقمندان است. کتاب قانون در طب در هفت جلد که تا قرن ها از مهمترین کتب طبی در جهان به شمار می رفت. شامل مطالبی در باره قوانین کلی طب، دواهای ترکیبی و غیر ترکیبی و امراض مختلف می باشد. این کتاب در قرن دوازدهم میلادی همراه با آغاز نهضت ترجمه به زبان لاتین و تا امروز به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی و

فارسی ترجمه شده است و به عنوان متن درسی طبی در پوهنتون های اروپایی تا سال ۱۶۵۰ میلادی (مدت ۷۰۰ سال) به عوض آثار جالینوس و موندینو در پوهنتون های *Lavain* و *Monpellier* تدریس میشد.

نوبرجر مینویسد که: مردمان قرون وسطی به کتاب قانون چنان مینگریستند که مانند کتب آسمانی به وحی نازل شده باشد.

استادان کمتون مینویسند: هر کس کتاب جالینوس و بعداً کتاب قانون سینا را مطالعه کند فرق میان آن ها را خواهد دید باید اذعان کرد که پیش از سینا و بعد از او در علم طب کتابی مانند قانون نوشته نشده است.

سینا در کتاب قانون از اینکه قول پیشکسوتان را در مورد مسایل توضیح میکند تجربیات شخصی خو در آن نیز یادآور میشود که از ابتکارات شگرف علم طب محسوب میشود.

متن عربی قانون در سال ۱۵۹۳ میلادی در روم و متن ترجمه عبری آن در سال ۱۵۹۳ میلادی در ناپل اقبال چاپ یافت ترجمه لاتین آن توسط *Gerhard Creman* صورت گرفته است این کتاب در سال ۱۳۴۱ خورشیدی توسط سید حسن موسوی کتوری به اردو ترجمه شد و در سال ۱۹۳۰ بعضی قسمت های آن به انگلیسی برگردانده شد. سینا علاوه از قانون کتب، رسالات و مقالات متعدد دیگر نیز در رابطه با مسایل طبی نوشته است که میتوان از:

ادویه قلبیه، حواشی قانون، رساله قلبیه، رساله قلنج، قوانین معالجات طبیه، مسایل عمده طبیه، مختصر در مورد نبض به دری، رساله سکنجبین، رساله کاسنی، قصیده ای در طب، رساله العشق، بعضی جوابات در رساله های سایر علما، مقاله حفظ الصحه، دستورات طبی... را نام برد.

ابن سینا در زمینه های مختلف علمی نیز اقداماتی ارزنده به عمل آورده است. او اقلیدس را ترجمه کرد. رصد های نجومی را به عمل در آورد و در زمینه حرکت، نیرو، فضای بی هوا (خلا)، نور و حرارت تحقیقات ابتکاری داشت. رساله وی درباره معادن و مواد معدنی تا قرن سیزدهم در اروپا مهمترین مرجع علم زمین شناسی بود. در باره این رساله فیگینه در کتاب دانشمندان قرون وسطی چنین آورده است: ابن سینا رساله ای دارد که اسم لاتین آن چنین است:

De Conglutinatione Lagibum. در این رساله فصلی است به نام اصل کوه ها که بسیار جالب توجه است. در آنجا ابن سینا می گوید: ممکن است کوه ها به دو علت به وجود آمده باشند. یکی برآمدن قشر زمین. چنانکه در زمین لرزه های سخت واقع می شود و دیگر جریان آب که برای یافتن مجرا، سبب حفر دره ها و در عین حال سبب برجستگی زمین می شود. زیرا

بعضی از زمین ها نرم هستند و بعضی سخت. آب و باد قسمتی را می برند و قسمتی را باقی می گذارند. این است علت برخی از برجستگی های زمین.

سینا در تمام علوم زمان خود دسترسی داشت و از همین سبب او را فیلسوف می گفتند، سینا علاوه بر طب در علوم دیگر مانند حکمت، منطق، ریاضی، موسیقی، هندسه، آشنایی کامل داشت.

از سینا اضافه از ۲۳۸ اثر، رساله، مقاله، نامه و کتب به جا مانده است که عمده ترین آنها عبارت است از:

۱- کتاب الشفا که به دایره المعارف فلسفی مشهور است این کتاب از طبعیات آغاز و به منطق، ریاضیات و موسیقی ختم می گردد،

۲- کتاب نجات که خلاصه ای است از کتاب الشفا، این کتاب اولین بار در سال ۱۵۹۳ در روم همراه با کتاب قانون اقبال چاپ یافت،

۳- کتاب اشارات و تنبیهات که سینا انرا در اواخر عمر خود نوشت، در این کتاب مطالب جدید وجود دارد که در کتاب الشفا و نجات دیده نمی شود،

۴- الا انصاف در ۲۰ جلد شامل نظریات شرقیون و غربیون،

۵- حکمته المشرقین که در سال ۱۹۱۰ بنام منطق المشرقین در مصر اقبال چاپ یافت،

۶- حکمته العروضیه معروف به المجموع سینا است که انرا در ۲۱ سالگی نوشت و شاید اولین تالیف او باشد،

۷- کتاب اسباب حدوث معروضیه،

۸- رساله فی رد المخیین در سال ۱۸۸۵ در بلجیم چاپ گردید،

۹- دانش نامه علایی یا حکمت علایی که برای مطالعه علاءالدوله تالیف کرد و در ان به علت آشنا نبودن علاءالدوله از اصطلاحات علمی و فلسفی از اصطلاحات معادل آنزمان استفاده نمود است که خدمت بزرگ سینا در عرصه زبان دری میباشد و در هندوستان یکبار اقبال چاپ یافته است،

۱۰- کتاب الحدود،

۱۱- رساله فی العمر،

۱۲- رساله فی علم الا اخلاق،

۱۳- رساله الفعل والا انفعال،

۱۴- رساله فی موسیقی،

۱۵- المبدأ والمعاد که نسخه خطی آن در برتس موزیم، موزیم میلان و جامع الظهر موجود است،

۱۶- رساله فی علم النبض،

۱۷- هدیه الشیخ الریس که انرا به نوح بن منصور اهدا نموده بود،

۱۸- رساله تقسیم الموجودات که نسخه خطی آن در کتابخانه آستانه رضوی ایران موجود است،

۱۹- تعبیر رویا که نسخه خطی آن در کتابخانه آصفیه هندوستان موجود است،

۲۰- رساله فی العلم المنطق،

۲۱- کتاب البیرونی فی الفیریکا که نسخه های آن در کتابخانه اکسفورد و میلان موجود است،

۲۲- رساله الات رصدیه که نسخه آن در برلین موجود است،

۲۳- کتاب المباحث که اغلب سوالات و جوابات را در بر دارد،

۲۴- کتاب المعاد،

۲۵- منطق فارسی،

و سایر آثار...

ابن سینا خرد مبتنی بر منطق داشت و به تقدم عالم معتقد بود و می گفت (وجود خداوند بر جهان تقدم ذاتی دارد نه زمانی) او به موجودیت جن و زنده شدن بعد از مرگ معتقد نبود.....سینا میگفت افعال و حوادث مستقیماً از خدا بوجود نمی آید بلکه در نتیجه عمل غایی داخلی تکامل میابد. سینا کوشش زیاد کرد تا نظریات فلسفی خود را با عقاید عامه مسلمانان توافق دهد سینا همه قضایا را تنها به روش عقلی و کاملاً مستقل از قران مورد بحث قرار میداد از این سبب بود که تا قرن ها از طرف خلافت ها و هیئت های حاکم ارتجاعی او را مظهر کفر و الحاد میدانستند و سوزاندن کتابهایش از سیاستهای متداول طی چند قرن در کشور های اسلامی منطقه بود زمانیکه او را کافر و ملحد گفتن او گفت.

((کفری چو منی گزاف و آسان نبود محکم تر از ایمان من ایمان نبود

در دهر چو من یکی و آن هم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود))

و به واسطه عقل منطقی و نظام یافته خود حتی در طب نیز تلاش داشت تداوی را تا سرحد امکان تابع قواعد ریاضی سازد. تسلط بر فلسفه را کمال برای یک دانشمند می دانست. وی برای آگاهی از اندیشه های ارسطو و درک دقیق آن، آن گونه که خود در شرح احوالش نوشته است، ۴۰ بار کتاب علم الهی و یا مابعدالطبیعه (متافیزیک) ارسطو را خواند و به حکم تصادف با استفاده از کتاب که ابونصر فارابی که درباره اغراض ما بعد الطبیعه نوشته بود، به معانی آن راه یافت. ابن سینا در دوران عمر خود از لحاظ عقاید فلسفی دو دوره مهم را طی کرد. اول دوره ای که مصروف مطالعه ای فلسفه عقاید و علوم مشاهی (ارسطویی) بود و دوم دوره ای که از آن عقاید عدول کرد و به قول خودش طرفدار حکمت مشرقین و پیرو فلسفه اشراق شد. با مرگ سینا تقریباً دوران فلسفه در مشرق به سر رسید. روجر بیکن او را بزرگترین استاد فلسفه بعد از ارسطو لقب داده است (فلسفه ابن سینا فلسفه مشاهی و متأثر از فلسفه نوع افلاطونی و دین اسلام است وی کوشیده است که فلسفه را با دین اسلام توفیق دهد معذالک جمع او را کافر و ملحد خوانده اند اگر چه او و ابن رشد هر دو از پیروان ارسطو بودند اما شیخ الرئیس کمتر از ابن رشد تابع اصیل یونان بودند.

چیزیکه سینا را از سایر متفکرین آن عصر متبارز میسازد اینست که سینا اهل دگم گرایی و تقلید نبود و چنانکه خود گفته است در مورد که اختلاف مورد بحث بوده است همواره تعصب هوای نفس و عادات را کنار گذاشته به مخالفت با آرای نحیف و غیر معقول برخاسته است. با وجود اینکه او ارسطو را برجسته ترین افراد حکمت مشاهی میدانست معتقد است کسانی که بعد از ارسطو در میدان علم قدم میگذارند باید خطاها او را اصلاح نماید و بعداً میگوید «.....بعضی ها چنان سر گرم میراث علمی گذشتگان اند که فرصت مراجعه به عقل خو دراهم ندارند و اگر فرصتی بدست آورند حاضر نیستند که اشتباهات و لغزش های آنان را اصلاح و جبران نمایند...» اینها مردم بی ذوق و کم فهم هستند زیرا که تحقیق و انتقاد از آثار گذشتگان را بدعت میدانند و مخالفت با آرای متقدمین را کفر و ضلال می شمارند.

اما سینا قبل از ابن رشد بین فلسفه و احکام شریعت شکافی به وجود آورد و اولین کسی است که در اسلام کتب جامع و منظم در فلسفه نوشته است و کتاب الشفا او در حکم دایره المعارف فلسفی است (تاریخ اجتماعی ایران ج هشتم). وی به پشتوانه تلاش یک صد ساله ای که پیش از او از سوی کسانی همچون رازی و فارابی برای شکل گیری فلسفه صورت گرفته بود، موفق شد نظام فلسفی منسجمی را ارائه دهد. با توجه به این که پیش از او مقدمات این کار فراهم شده بود، کار و وظیفه ابن سینا این بود که مشکلات و پیچیدگی ها را کشف و حل کند و آنها را به نحوی مبسوط و موجز شرح نماید. فروع جزئی را به تصول شامل ارتباط دهد و اطراف آن را به هم بیاورد.

او با ارائه نظر خود در مورد نحوه ارتباط و نسبت بین مفاهیم کلی مثل انسان، فضیلت و جزئیات حقیقی به یکی از پرسشهای علمای قرون وسطی که مدت های طولانی ذهن آنها را به خود مشغول کرده بود پاسخ داد. تاثیر آرای فلسفی ابن سینا، همچون آموزه های طبی او، بر علاوه قلمرو اسلامی، در اروپا نیز امری قطعی است. آلبرتوس ماگنوس، دانشمند آلمانی فرقه دومینیکی (۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ میلادی) نخستین کسی بود که در غرب تفسیر و شرح جامعی بر فلسفه ارسطو نوشت. به همین دلیل اغلب او را پایه گذار اصلی ارسطوگرایی مسیحی می دانند. وی که جهان مسیحیت را با سنت ارسطویی الفت داد، در شناخت آثار ارسطو سخت به ابن سینا متکی و معتقد بود. همچنین فلسفه ما بعد الطبیعه ابن سینا، خلاصه مطالبی است که متفکران لاتینی دو قرن بعد از او بدان رسیدند. در قرن پنجم هجری به وسیله پیشوایان مذهب و پیروان خانقاه مبارزه گسترده و شدید علیه علم و حکمت و مخصوصاً فلسفه آغاز شد و در مدارس و مکاتب اهل علم تدریس هر گونه علم، فلسفه و حکمت را حذف کردند و جای آنرا به تفسیر قرآن، احادیث و اصول فقه واگذار کردند. علما مورد تکفیر اربابان مذهب قرار گرفت از جمله کسانی که با تمام قوا بر ضد فلسفه و علم طغیان کرد حجتة اسلام غزالی (۴۵۰ الی ۵۰۵ هجری) بود که عمری فلسفه را آموخت و به علت یاس و حیرت و واهمه عجیبی که به او دست داد از مدرسه به خانقاه رفت و دامن عرفان را محکم گرفت و از جمله دشمنان سر سخت فلسفه، علم و حکمت گردید .

غزالی در تهافت الفلاسفه فارابی و سینا را رد میکند و میگوید (علی التحقیق انها را ظلماتی فوق ظلمات فرا گرفته است) در المنقذ من الضلال متذکر شده است که این دو فیلسوف در بیست مورد در موضوع الهیات اشتباه کرده اند. در سه مورد مستوجب تکفیر و در هفده مورد مستوجب تبعید اند (در سه مورد که آنها را از اسلام جدا میسازد و مورد تکفیر قرار میگیرند مینویسد:

۱- معتقد بودن آنها بر اینکه خداوند حاکم بر کلیات است نه جزئیات،

۲- اعتقاد شان به تقدم عالم،

۳- اینکه اجساد حشر ندارد ثواب و گناه مربوط روح است نه جسم).

تعرض به سینا بدینجا پایان نمی پذیرد بعضی از دانشمندان کوتاه استین در قرون بعدی نیز به او تاخته اند از جمله عثمان بن عبدالرحمن موسوم به ابن صلاح (۶۴۳) سینا را مرتد و بی دین شمرده و او را از جمله علمای خارج مذهب دانست و خواندن کتاب های سینا را برای مسلمانان جایز نمی شمرد و گناه کبیره میدانست و سینا را شیطانی از شیاطین لقب داده بود غافل از اینکه او خودش شیطان بزرگ بود. هر قدر از قرن وسطی دور تر میشویم و هر قدر دایره نفوذ

دین بیشتر میشود این اعتراضات بیشتر و شدید تر میشود علت هم معلوم است زیرا منطق و نحوه استنتاج سینا با مبادی ظاهر بینان دین که پایه اش بر تعصب نهاده شده سازگار نبود مخصوصاً که با هجوم، ترکان عثمانی دین را با خرافات، اساطیر و فانتزی ها آمیخته ساختند و باشندگان کشور های اسلامی را در جهل و خرافه نگهداشتن تا هیت هایی حاکم بتواند براحتی بر آنها حکمروایی نمایند و تنها دشمنی که در مقابل هر گونه جهل و خرافه ایستادگی میکند علم و معرفت است بنا این مخالفت ها متدینین ظاهر نما با اشاعه فلسفه و حکمت امری طبیعی بشمار میرود .

سینا نه تنها در علوم دانشمند بزرگ بود بلکه مقام ادبی او نیز در زبان دری و عربی مورد توجه و دقت است. قدرت او در زبان عربی و مهارت او در بیان مطالب به مقصد توضیحات علمی از نظر ادبی دارای ارزش خاصی است با وجود اینکه قرن ۴-۵ هجری آغاز نوشتن کتب به زبان دری بود و هنوز زبان دری چنانکه باید آماده بیان مقاصد علمی نگردیده بود اما سینا از تالیف در این زبان غافل نماند و در جمع آوری و احیاناً ایجاد اصطلاحات فلسفی و علمی به زبان دری پیشرو نویسندگان بعدی این حوزه بوده است. از سینا اشعاری نیز وجود دارد که به بیان تازی و دری سروده شده است که مجموعاً به ۲۲ قطعه میرسد و مقالات ادبی سینا به ۶۵ پارچه میرسد. لازم به تذکر است که مجموعه از اشعار سینا در کتابخانه ولی الدوله استانبول موجود است .

ابوعلی سینا در سال ۴۲۸ هجری قمری، زمانی که تنها ۵۸ سال داشت، در حالی رخت از جهان بریست که با ادای دین خود به دانش بشری، نامی به صلابت تمدن انسانی از خود به جای گذاشت اما دریغ و درد که امروز این صلابت مخصوصاً در کشور ما دارد که آهسته آهسته به باد فراموشی سپرده شود.